

## تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران پشت؛ یادمانی با داده‌های فرهنگی و تاریخی

میثم صادقی توران پشتی\*

یحیی میرحسینی\*\*، محمد آشوری جلال‌آبادی\*\*\*

### چکیده

در فرهنگ اسلامی، آیات قرآن متنی مقدس به شمار می‌رود که باید بسیار در مرأی و منظر قرار گیرد؛ از همین رو خوشنویسان و کتیبه‌نگاران در تزئین مسجد، امامزاده، خانقاه و مدارس مذهبی، بسیار از آیات قرآن بهره می‌گرفتند. افزون بر مکان‌های نام‌برده، نگاشت آیات بر سنگ‌مزارها نیز امری معمول بوده است. با آنکه پیشینه این رسم از هزار سال فراتر می‌رود و باستان‌شناسان و پژوهشگران رشته تاریخ و هنر بدان پرداخته‌اند، اما کمتر ذهن پژوهشگران حوزه مطالعات قرآنی را به خود معطوف داشته است. توجه به این نکته که نوعاً چه آیاتی بر سنگ‌قبرها حکاکی شده و از آن انتخاب، چه تحلیل فرهنگی و تاریخی برمی‌آید، مهمترین پرسش حاضر است. همچنین این سؤال نیز در کانون توجه قرار دارد که گورستان‌ها چه جایگاه فرهنگی در جامعه داشته است و چه کارکردی از مزار در ذهن مردمان آن دوره، آنان را به انتخاب آیاتی خاص از قرآن سوق داد؟ تحقیق پیش‌رو، پرسش‌های فوق را در مورد آیات قرآنی گورنوشته‌های «مزار تاریخی توران پشت» به بررسی و تحلیل گذاشته و در پایان به پنج انگیزه ارزشی و آموزشی در انتخاب آیات دست یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** کتیبه‌های قرآنی، یادمان فرهنگی، سنگ‌مزار، انتخاب، کارکرد، توران پشت.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)،  
sadeghi.mehr70@gmail.com

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد،  
mirhoseini@meybod.ac.ir

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)،  
Ashuri.jalalabadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

## ۱. مقدمه

صاحب‌نظران روش تحقیق برآنند تمام منابعی که اطلاعات تاریخی از آن‌ها به دست می‌آید، بر دو گونه «گزارش‌ها» (Record \ Testimony) و «آثار یا یادمان‌ها» (Relic \ Remain) هستند (برای توضیحات بیشتر ر.ک: Howel & Prevenier, 2001: 17). در گزارش‌ها، مطالب تاریخی به صورت هدفمند و با قصد انتقال اطلاعات به نسل بعدی مضبوط می‌شود؛ اما در یادمان‌ها چنین قصد و توجهی وجود ندارد. کتاب‌های تاریخی از نوع گزارش هستند اما نوشته‌های حک شده بر سکه‌ها، کتیبه‌ها و... نمونه‌ای از یادمان‌ها هستند. مهمترین مزیت گزارش‌ها، توجه و جامعیت آن‌هاست، با این وجود ممکن است نویسنده با هدف جعل واقعیت، دست به تحریف زده و اموری نادرست به ثبت آورد. در مقابل، گرچه ممکن است حجم اطلاعات به دست آمده از یادمان‌ها اندک باشد، اما اطمینان به صحت یادمان‌ها به دلیل نبود انگیزه تحریف، بسیار زیاد است (Howel & Prevenier, 2001: 17-20).

در این میان، یکی از انواع یادمان‌هایی که به وفور در ایران یافت می‌شود، متونی است که بر سنگ‌قبرها حکاکی شده است؛ اوراق گرانمایی که امانتدار فرهنگ غنی این سرزمین هستند. مزارنوشته‌ها در کنار سنگ‌فرمان‌ها، سنگ‌محراب‌ها، سنگ‌وقف‌ها، یکی از ۴ کتیبه‌های باستانی ایران طبقه‌بندی شده است (دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۱۱). مزارنوشته‌ها افزون بر محاسن پیش‌گفته، امتیاز دیگری نسبت به دیگر یادمان‌های تاریخی از جمله سکه‌ها دارند؛ این امتیاز، به انحصاری نبودن مزارنوشته‌هاست؛ به طوری که افراد عادی نیز می‌توانستند کتیبه‌هایی از خود به یادگار بگذارند؛ این در حالی است که ضرب سکه‌ها منحصرأ در اختیار فرمانروایان و مقامات حکومتی بوده است (میراحمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۸). بنابراین سنگ‌مزارها از آن جهت که می‌توانند به اقشار مختلف مردم یک جامعه ارتباط یابند، از جایگاه برجسته‌ای برخوردارند. سنگ‌مزارها که زمانی دراز، میزبان تازه‌مردگان بودند، ویژگی‌های فرهنگی آن منطقه را بازتاب می‌دهد و آشکارا از دین، باورداشت‌ها، خواسته‌ها و آرزوهایشان حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، از رهگذر گورنوشته‌ها می‌توان بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ساکنان باستانی آن سرزمین‌ها را استخراج نمود.

پیشینه گورنوشته‌ها در ایران، به چند هزار سال می‌رسد و آنچه بیش از همه، دست‌مایه پژوهش‌های متعدد قرار گرفته، آثار مربوط به دوره پیش از اسلام است (برای نمونه، نک: Tafazzoli, 1994: 177-182؛ آموزگار، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۹؛ نصرالله‌زاده و شیخ‌الحکمایی، ۱۳۹۱:

۶۷-۷۴). از آنجا که دین اسلام بر خاکسپاری مردگان تأکید دارد - بر خلاف آئین زردشتی که دفن را منجر به آلودگی خاک دانسته و مردگان بر دخمه‌ها رها می‌شوند - تعداد گورنوشته‌های دوره اسلامی بسیار فزون‌تر است. بر سنگ قبر یک مسلمان، مطالب مختلفی نوشته می‌شد؛ از مشخصات درگذشته و اطلاعات تاریخی مرتبط با آن، آیات قرآن کریم، احادیث، اشعار عربی و فارسی، جملات دعایی، اسامی خداوند، صلوات بر رسول اکرم (ص) و بزرگان دین و عبارات نصحیت‌گونه و پرهیزکارانه. چنانکه در کتیبه‌های محراب مساجد نیز با چنین مضمون‌هایی روبرو هستیم (بلر، ۱۳۹۵: ۵۶-۶۱).

حال این پژوهش بر آن است تا آیات قرآنی حک شده بر سنگ‌مزارها را تحلیل نماید؛ کدام آیات و با چه منطق و تبیینی انتخاب شده‌اند و آیا می‌توان از خلال آنها، اطلاعات تاریخی به دست آورد؟ آیات انتخاب شده چه کارکرد ارزشی و آموزشی داشته‌اند و اصولاً گورستان‌ها چه جایگاه فرهنگی در جامعه ایفا می‌کرده است؟ برای این منظور، سنگ‌مزارهای قبرستان تاریخی توران‌پشت که قدمت بسیار زیادی دارد، به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. این نوشتار در پایان نشان خواهد داد تا چه حد این دسته از کتیبه‌ها باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

## ۲. معرفی توران‌پشت و مزار تاریخی آن

در مسیر مواصلاتی یزد به شیراز، روستایی کهن<sup>۱</sup> به نام «توران‌پشت» وجود دارد که امروزه از توابع شهرستان نفت بوده و فاصله‌اش از مرکز استان یزد، ۸۵ کیلومتر است. برخی بانی توران‌پشت را «توران‌دخت ساسانی» دانسته‌اند (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۱۶؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ج ۱، ۳۰) و از این رهگذر خواسته‌اند وجهی برای تسمیه این روستا دست و پا کنند؛ گرچه برخی دیگر بر این نظر نبوده و بانی توران‌پشت را نامعلوم دانسته‌اند (نک: آیتی، ۱۳۱۷: ج ۱، ۵۰). قدیم‌ترین یادکرد از توران‌پشت در سیر اعلام النبلاء است؛ آنجا که در معرفی ابوحفص نسفی سمرقندی (د۵۳۷ق)، از فردی به نام محمد بن ابراهیم التوربشتی یاد می‌شود که از وی نقل حدیث داشته است (ذهبی، ۱۴۲۷ق: ج ۱۴، ۴۹۴). نیز در وقفنامه ربع رشیدی به مناسبت ثبت موقوفات دهشیر<sup>۲</sup>، این منطقه یکی از دهات توران‌پشت معرفی می‌شود (رشید الدین فضل‌الله، ۱۳۵۶: ۸۲). همچنین در وقفنامه جامع الخیرات در چند نوبت به مناسبت بر شمردن موقوفات، از توران‌پشت و توابع آن نامبرده شده است

(جامع‌الخیرات، ۱۳۴۱: ۸۶، ۹۶، ۱۸۲، ۱۸۳ و ۱۹۴) به هر حال، ابنیه تاریخی پیشا اسلامی این روستا، گواه قدمت بسیار زیاد آن است.

منابع تاریخی در مورد اوضاع اجتماعی و فرهنگی توران‌پشت اطلاع چندانی در اختیار نمی‌گذارند؛ اما با این وجود، برجای ماندن یادمان‌های تاریخی پرشمار در این روستا، همچنان امیدها را برای پی‌بردن به اوضاع فرهنگی توران‌پشت در اعصار پیشین زنده می‌دارد. از مهمترین یادمان‌های تاریخی توران‌پشت باید به قبرستانی اشاره کرد که به تعبیر ایرج افشار از نوادر قبرستان‌های عصر غزنوی و سلجوقی است (افشار، ۱۳۵۵: ۴۶۶-۴۷۳). ایرج افشار، در این باره چنین نوشته است: «توران‌پشت، قبرستان کهنه و وسیعی دارد که بر تپه‌های مشرف به ده واقع شده است و از قبرستان‌های دست نخورده و کهنه ایران به شمار می‌آید. در آن سنگ‌قبرهای سیاه نامنظم طبیعی از قرن پنجم تا نهم و سنگ‌های مرمر تراش شده قرن دهم تا عصر حاضر وجود دارد ... سنگ‌قبرها در اصل عمودی نصب می‌شده و دو سنگ یکی بالای سر و یکی پائین پا قرار می‌گرفته است. بر آنکه بالای سر بوده، جمل دعائی و بر پائین پا، نام و تاریخ وفات نقر می‌شده است. همه خطوط به نسخ ابتدائی و احیاناً کوفی‌گونه است» (افشار، ۱۳۸۵ ب: ۲۷۳ و ۲۷۵). در جایی دیگر، این سنگ‌قبرها را مربوط به علما و رجال محترم دانسته و این احتمال را مطرح کرده که توران‌پشت بر اثر جنگ یا حوادثی از این قبیل، تخریب شده و قبرستان نیز در پی آن، متروکه شده است (افشار ۱۳۸۴: ۶۴-۷۱؛ همو، ۱۳۹۰: ۵۵۱).

در مزار باستانی توران‌پشت، دو نوع سنگ‌نوشته به چشم می‌خورد: (۱) سنگ‌های سیاه‌رنگ و نامنظم؛ (۲) سنگ‌های براق از جنس مرمر. قدیمی‌ترین تاریخی که بر سنگ‌های سیاه‌رنگ حک شده، سال ۴۰۹ قمری و متأخرترین آن‌ها مربوط به ۷۱۸ هجری است. از جمله این سنگ‌ها باید به مزارنوشته‌ای اشاره کرده که بر اساس بازخوانی ایرج افشار (افشار، ۱۳۸۵ ب: ۲۷۶) احتمالاً مربوط به دختر رشیدالدین میدی، صاحب تفسیر کشف الاسرار است که به سال ۵۶۷ وفات یافته و در توران‌پشت در چند فرسنگی میبد دفن شده است (مسرت، ۱۳۸۹: ۳۱).

اما قدیمی‌ترین سنگ مرمرین به ۸۵۵ قمری بازمی‌گردد. از این رو، مقاله حاضر تنها به مطالعه سنگ‌های سیاه‌رنگ که به دورانی قدیم‌تر تعلق دارند، اختصاص یافته است. سنگ‌مزارهایی که برای این مقاله بازخوانی شدند، جمعاً به ۵۱۰ مورد می‌رسد. از این میان، ۲۴۷ سنگ مؤرخ است و ۲۶۳ مورد، فاقد تاریخ می‌باشد. تحلیل آماری سنگ‌مزارهای

مؤرخ نشان می‌دهد، ۵۸ مورد از آن‌ها به قرن پنجم و ۱۴۵ مورد به قرن ششم بازمی‌گردد؛ نیز ۳۶ مورد به قرن هفتم و تنها ۸ مورد به قرن هشتم تعلق دارند. همین اطلاعات نشان می‌دهد شکوه قرن پنجم و ششم توران‌پشت در سده‌های پسین، ادامه‌دار نبوده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از کتیبه‌های فاقد تاریخ، در اصل دارای تاریخ بوده‌اند اما بر اثر فرسایش و یا شکستگی، خوانش تاریخ مندرج بر آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

### ۳. پیشینه و روش مطالعه

تعداد اندکی از کتیبه‌های مزار توران‌پشت در کتاب یادگارهای یزد (افشار، ۱۳۸۵ ب: ج ۱، ۲۷۵-۲۷۷)، نیز در بررسی کتیبه‌های بناهای یزد (قوچانی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۵) و همچنین در کتاب سیمای تفت (دهقانیان، ۱۳۸۷: ج ۲، ۶۳۲-۶۴۵) بازخوانی شده‌اند اما در هیچ یک از آثار فوق، بر آیات قرآنی تمرکز نشده و حتی بعضاً از بازخوانی برخی از آیات مندرج در سنگ‌مزارها اجتناب شده است. این در حالی است که از ۵۱۰ کتیبه، بر ۴۳۹ مورد آن، آیات قرآنی حک شده است. از سوی دیگر و فارغ از مطالعه موردی یعنی توران‌پشت، تا به حال مطالعه‌ای با موضوع تحلیل مقوله انتخاب آیات قرآنی سنگ‌مزارها، به رشته تحریر درنیامده است.

شایان ذکر است، در این پژوهش از میان حجم انبوه سنگ‌مزارها، تعداد ۲۵ کتیبه به نحوی انتخاب شده است که دربردارنده همه آیات به کار رفته در سنگ‌مزارها باشد؛ بنابراین از درج آیات تکراری خودداری شده است. روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی تحلیلی است و افزون بر آن از تحلیل‌های تاریخی نیز بهره گرفته خواهد شد.

### ۴. بازخوانی آیات

نخستین گام، خوانش آیات حک شده بر سنگ‌مزارهاست؛ خوانشی که به دلیل قدمت تاریخی، فرسایش سنگ و تفاوت خط بسیار دشوار می‌نمود. در اینجا نخست کتیبه‌های مؤرخ آمده است و آنگاه کتیبه‌های فاقد تاریخ به ثبت آمده است. در بازخوانی کتیبه‌ها لازم به توضیح است، واژگان از بین رفته با علامت [ ] و کلمات ناخوانا با سه نقطه ... مشخص شده‌اند. نیز در مواردی که بازخوانی با تردید صورت گرفته، علامت ؟ گذارده شده و بازخوانی‌هایی که با حدس همراه بوده است، درون [ ] نوشته شده است.

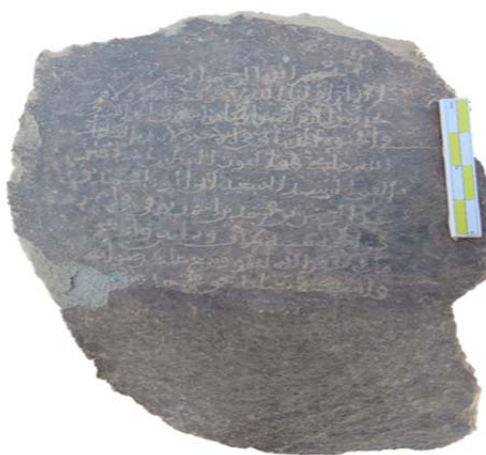
#### ۱.۴ کتیبه‌های مؤرخ

کتیبه ۱ (۴۵۲ ق): بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكه و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام توفيت فاطمه بنت احمد بن [ ] موسى بن [ ] رحمه الله عليها و جعلها من الفا... فى صفر سنة اثنين و خمسين و اربع [ع] مايه.

کتیبه ۲ (۴۷۰ ق): بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس ذائقه الموت و انما توفون اجوركم يوم القيامة فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحيوۃ الدنيا الا متاع الغرور هذا قبر محمد بن ابرهيم بن الحسين فى شهر سبعين و اربع مايه / در حاشیه کتیبه: ان فى خلق السماوات و الارض و اختلاف الليل و النهار لايات لاولى الالباب الحمد لله الواحد القهار ... سنة سبعين و اربع مايه.

کتیبه ۳ (۴۷۰ ق): بسم الله الرحمن الرحيم كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاكرام هذا قبر محمد بن ابرهيم بن الحسين فى شهر رجب سنة سبعين و اربع مايه / در حاشیه کتیبه: اقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قران الفجر [ان] قران الفجر كان مشهودا اياك؟ لله العزه لله.

کتیبه ۴ (۴۸۳ ق): بسم الله الرحمن الرحيم الا ان اولياء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون الذين ءامنوا و كانوا يتقون لهم البشرى فى الحيوۃ الدنيا و فى الاخره لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم هذا قبر الفتى السيد السعيد ابى الوفا محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن احمد توفى فى اخر؟ ذى الحجه سنة ثلاث و ثمانين و اربع مايه غفر الله له و وسع عليه رضوانه و اسكنه بجنانه بحق محمد و [آله].



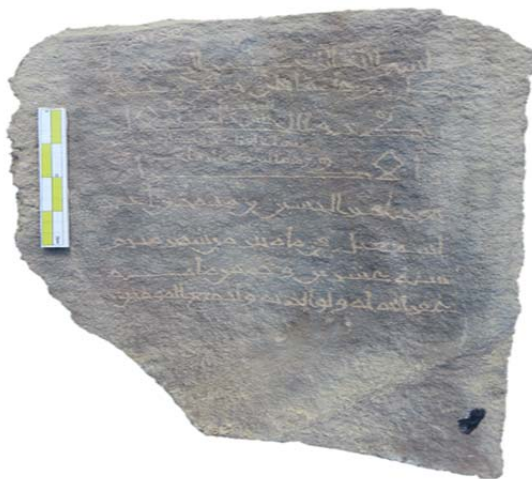
کتیبه ۴

کتیبه ۵ (۵۱۲ ق): بسم الله الرحمن الرحيم قل يا عباد الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم هذا قبر الشباب؟ رحمة بنت الحسين ابراهيم الحسن بن شهره في شهر رمضان سنة اثني عشر و خمس مائه غفر الله له و لوالديه و لجميع المومنين و المومنات نور الله قبره.

کتیبه ۶ (۵۱۸ ق): بسم الله الرحمن الرحيم ان المتقين في جنات و عيون ادخلوها بسلام آمنين و نزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا على سرر متقابلين لا يمسه فيها نصب و ما هم منها بمخرجين نبي عبادي اني انا الغفور الرحيم و انا عذابي هو العذاب الاليم امن هو قانت انا الليل ساجدا و قائما يحذر الاخره و يرجوا رحمة ربه قل هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون انما يتذكر اولوا الالباب هذا قبر محمد بن يعقوب هموك مات في ماه ربيع الاول سنة ثمان عشره و خمس مائه.

کتیبه ۷ (۵۱۸ ق): بسم الله الرحمن الرحيم ان المتقين في جنات و نهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر هذا قبر الشاب الحسين بن احمد بن محمود في رمضان سنة تسع عشره و خمس مائه.

کتیبه ۸ (۵۲۰ ق): بسم الله الرحمن الرحيم كل من عليها فان و يبقى وجه الموت باب و كل ناس داخله ربك ذو الجلال منها خلقناكم و فيها نعيدكم و منها نخرجكم تارة اخرى و الاكرام هذا قبر الحسين بن محمد بن احمد اسمعيل في ماه تير من شهر ... سنة عشرين و خمس مائه غفر الله له و لوالديه و لجميع المومنين. در گوشه سمت چپ در قسمت بالای کتیبه: هذا قبر الشاب.



کتیبه ۸

۶۲ تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران‌پشت؛ یادمانی با داده‌های ...

کتیبه ۹ (۵۲۰ ق): بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم و اليه ترجعون هذا قبر الشاب الطرى الفتى احمد بن الحسين ابن احمد ابن اسمعيل و ذلك فى رمضان سنة ثمان و عشرين و خمس مايه غفر الله له و لوالديه.

کتیبه ۱۰ (۵۵۸ ق): بسم الله الرحمن الرحيم و قل رب انزلنى منزلن مبارکا و انت خير المنزلين هذا قبر الشهادر؟ ابرهيم حسن مهت... فى سنة ثمان و خمسين خمس ماه.

کتیبه ۱۱ (۶۲۶ ق): بسم الله الرحمن الرحيم ان المتقين فى مقام امين فى جنات و عيون يلبسون من سندس و استبرق متقابلين هذا قبر السيدة المرحومة الملكة العابدة فاطمة بنت الامير السيد شرف الدين على بن ابوالبركات ابوالغيث العلوى الموسوى نور الله قبرها و احشرها مع اسيه و مريم فى الاولين و خديجه و فاطمه فى الاخرين توفيت فى يوم الاحد وقت صلاة الظهر السابع شهر الله المعظم شعبان سنة ستة و عشرين و ستمايه.



کتیبه ۱۱

کتیبه ۱۲ (۶۴۸ ق): بسم الله الرحمن الرحيم اجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر و جاهد فى سبيل الله لا يستون عند الله والله لا يهدى القوم الظالمين. كتبه محمد ابن القسم بن محمد ابن ... ابن على فى تاريخ شهر شوال سنة ثمان و اربعين و ستمائه. خدای تعالی از آن مسلمان راضی باد که یک الحمد در کار [ ] کند و گوید...



## ۲.۴ کتیبه‌های فاقد تاریخ

با توجه به اینکه تمامی کتیبه‌های فاقد تاریخ بر سنگ‌های سیاه‌رنگ کتابت شده‌اند و از سوی دیگر، پیشینه هیچ یک از سنگ‌های تاریخ‌دار به پس از ۷۱۸ق نمی‌رسد، می‌توان به احتمال بسیار زیاد، زمان کتابت کتیبه‌های فاقد تاریخ را نیز به پیش از این بازه زمانی مربوط دانست. امری که این فرضیه را تقویت می‌کند، همسانی و شباهت نوع خط و نحوه نگارش این کتیبه‌هاست؛ بنابراین به احتمال فراوان، تاریخ این سنگ‌مزارها نیز به سده پنجم و ششم بازمی‌گردد.

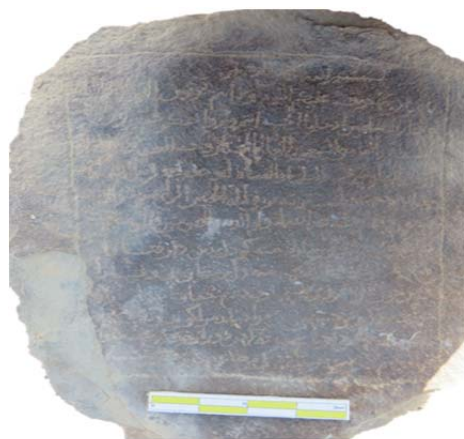
**کتیبه ۱۳:** بسم الله الرحمن الرحيم ان الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون هذا قبر الشاب (بقیه کتیبه در زیر خاک مدفون است).

**کتیبه ۱۴:** [بسم الله الرحمن الرحيم ان المتقين [فی جنات و] نعیم فكهين بما ءاتهم ربهم] و وقیهم ربهم] عذاب الجحيم (بقیه کتیبه در زیر خاک مدفون است).

**کتیبه ۱۵:** بسم الله الرحمن الرحيم ان الذين امنوا و عملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا] (بقیه کتیبه در زیر خاک مدفون است).

**کتیبه ۱۶:** بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد.

**کتیبه ۱۷:** بسم الله الرحمن الرحيم يا عباد لا خوف عليكم اليوم و لا اتمم تحزنون الذين امنوا باياتنا و كانوا مسلمين ادخلوا الجنة انتم و ازواجکم تحبرون ... ... القاضی السعيد ... ... ابو جعفر احمد بن فضل الله ... ... و طيب تربته توفي ... الخميس الرابع من شهر ... ... غفر الله له و ...



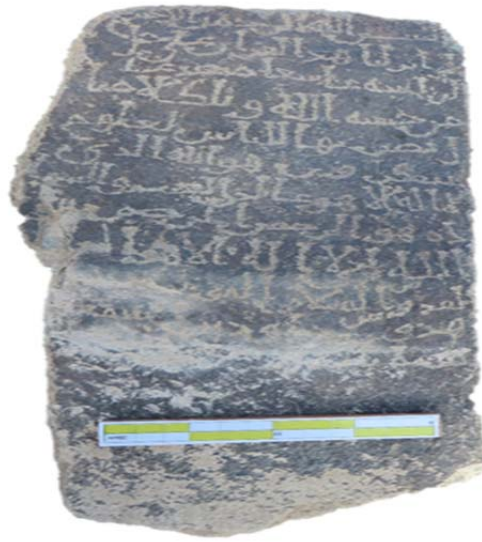
کتیبه ۱۷

٦٤ تحليلي بر مقولة انتخاب آيات در مزارنوشته‌های توران‌پشت؛ يادمانی با داده‌های ...

كتيبه ١٨: بسم الله الرحمن الرحيم انا عرضنا الامانه على السماوات و الارض و الجبال فايين ان يحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه كان ظلوما جهولا ليعب [ذب الله المنافق]ين و المنافقات و [المشركين و المشرك]ات و يتوب الله [على المومنين و الموم]نات و كان الله غفورا و رحيمًا.

كتيبه ١٩: بسم الله الرحمن الرحيم ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الاتخافوا و لاتحزنوا و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون نحن اولياؤكم في الحياة الدنيا و في الآخرة و لكم فيها ما تشتهى انفسكم و لكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم.

كتيبه ٢٠: بسم الله الرحمن الرحيم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المومن المهيمن هذ قبر داود بن اسمع[يل] سنه ... ..



كتيبه ٢٠

كتيبه ٢١: بسم الله الرحمن الرحيم ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون هم و ازواجهم في ضلال على الارائك متكئون لهم فيها فاكهة و لهم ما يدعون سلام قولاً من رب رحيم علامت هذا قبر الشيخ الصالح ابراهيم بن [ ] [ ] رحمه الله مات في شهرير سنه [ ] [ ] غفر الله له و لوالديه و لجميع الموم... [ ].

**کتیبه ۲۲:** بسم الله الرحمن الرحيم اولئك يجزون الغرفة بما صبروا و يلقون فيها تحية و سلاما خالدین فيها حسنت مستقرا و مقاما قل مايعبوا بكم ربی لو لا دعائکم فقد کذبتم فسوف يكون له لزاما.

**کتیبه ۲۳:** و لذكر الله اكبر اللهم اغفر لصاحب هذا القبر و تقبل حسناتها و تجاوز عن سيئاتها لا يشوبها الى دار الدنيا و نعيمها اجعل قبرها روضه من رياض الجنة و لا تجعل حفرة من حفر النيران يا ارحم الراحمين.

**کتیبه ۲۴:** بسم الله الرحمن الرحيم وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمرا حتى اذا جاءوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين و قالوا الحمد لله الذى صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين و ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم و قضى بينهم بالحق و قيل الحمد لله رب العالمين هذا قبر السعيد؟... .. احمد بن على (بقية کتیبه ناخواناست).

**کتیبه ۲۵:** بسم الله الرحمن الرحيم كل نفس ذائقة الموت و نبلوكم بالشر و الخير فتنه و الينا ترجعون هذا قبر الحسين عبدالله القاضى غفر الله له ذنوبه.

## ۵. تحلیل دلالی آیات

پس از خوانش متون حک شده بر سنگ‌مزارها، اکنون نوبت به دسته‌بندی و تحلیل آیات قرآنی به کار رفته در آنها می‌رسد. مروری بر ۵۱۰ سنگ‌نوشته نشان می‌دهد غالب آیات در ارتباطی مستقیم با مسائل آخرت‌شناختی قرار دارند؛ موضوعاتی مانند مرگ و پاداش و جزای اخروی که از مناسبتی تام با مکان گورستان برخوردارند. اما گروه دیگری از آیات، چنین نیستند و به نظر می‌رسد درک تناسب آنها بدون توجه به فضای فرهنگی توران‌پشت در روزگار مقارن با کتابت سنگ‌نوشته‌ها میسر نباشد.

داده‌های تاریخی و از جمله عبارات برخی از کتیبه‌ها حاکی از آن است که تصوف از قرن چهارم تا هفتم هجری در توران‌پشت از رونق قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است؛ بنابراین می‌توان حضور فرهنگ تصوف در بستر نگارش سنگ‌نوشته‌ها را بر انتخاب آیات قرآنی اثرگذار دانست. فضیلت خاص برخی از آیات نگارش شده بر سنگ‌مزارها را نیز می‌توان توضیحی بر چرایی انتخاب آن‌ها از سوی کاتبان در نظر گرفت. یادآوری و تذکر برخی مسائل ارجمند دینی هم می‌تواند در میان بوده باشد؛ لذا بخش دیگری از آیات، از این منظر بررسی خواهند شد. به عنوان آخرین گروه باید به آیاتی اشاره کرد که به نظر

می‌رسد نگارندگان آن‌ها، مضمون آیه را در پیوند با موقعیت اجتماعی و یا ویژگی‌های فردی شخص متوفی در نظر گرفته و با انتخاب آیه‌ای خاص به طور ضمنی، به آن ویژگی اشاره داشته‌اند. در ادامه، با تمرکز بیشتری هر یک از این گروه‌ها را بررسی خواهیم نمود.

### ۱.۵ آیات با مضامین آخرت‌شناختی

مسلمانان از همان عهد نخستین، بسیار علاقه داشتند آیات قرآن را با بکارگیری هنر خویش در مساجد، امامزاده‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، کاروانسراها و ... به نمایش درآورند. پرواضح است که این انعکاس، هدفمند بوده و در پس انتخاب آیات، اندیشه و فکری نهفته بوده است. به عبارت دیگر، آیاتی انتخاب می‌شدند که از یک سو، بیشترین ربط و پیوستگی را با محل مورد نظر داشته و از دیگر سو، در مقام موعظت و پندگیری نیز اثرگذاری فزون‌تری داشته باشد. بنابراین در موضوع مورد مطالعه حاضر یعنی سنگ‌مزارها نیز چنانکه انتظار می‌رود، بیشترین آیات انتخابی به مرگ و میر و به طور کلی معاد مرتبط است. این دسته از آیات را از نظر محور موضوعی، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

#### ۱.۱.۵ یاد مرگ به عنوان حقیقتی حتمی

یادآوری این نکته که روزی عمر انسان‌ها به پایان رسیده و مرگ به سراغ همگان خواهد آمد، پربسامدترین آموزه قرآنی حک شده بر سنگ‌های مزار توران‌پشت است؛ امری که در دیگر آرامستان‌های مسلمانان نیز قابل مشاهده است (برای نمونه نک: دانش یزدی، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۸). از میان آیات متعدد قرآن کریم با موضوع بدروء حیات و به پایان رسیدن زندگی دنیوی، بیش از همه به ۵ آیه اشاره شده است. نخست باید به پرکاربردترین آنها یعنی «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ. وَ يُبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ» (الرحمن/ ۲۶ و ۲۷) اشاره داشت. (نک: کتیبه ۳ و ۸). این آیه که بر فانی شدن همگان و پایداری و ارجمندی ذات پروردگار اشاره دارد، در محیط گورستان، زائران قبور را به این امر توجه می‌دهد که آن‌ها تافته جدا بافته‌ای نسبت به بقیه موجودات عالم نیستند و روزی مرگ آن‌ها را دربرخواهد گرفت.

آیه پربسامد بعدی، «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ اِنَّمَا تُوقَنُ اُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَحَ عَنِ النَّارِ وَ اُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران/ ۱۸۵) است که بر سنگ‌مزارهای بسیاری یافت می‌شد (نک: کتیبه ۲). در این آیه، یادآوری مرگ به صورت ملموس‌تری انجام پذیرفته است. استفاده از اسم فاعل «ذائقه / چشنده» که گویی مرگ را به

غذایی تشبیه کرده که هر انسانی آن را تجربه می‌کند (رک: زمخسری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۶۱ و طوسی، بی تا: ج ۸، ۲۲۱)، قدرت تصویرپردازی بیشتری تداعی کرده است. افزون بر این، پاداش و جزای قیامت نیز به یاد آورده می‌شود و در پایان، به این اشاره می‌شود که زندگی دنیوی چیزی جز فریب نخواهد بود.

آیه ۸۸ سوره قصص «... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» نیز کاربردی شایع دارد (نک: کتبیبه ۹) البته در هیچ یک از حکاکی‌ها، قسمت آغازین آیه یعنی «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» کتابت نشده است که طبیعتاً این امر به دلیل دور بودن مفهوم آن با موضوع مرگ است. در این آیه نیز افزون بر فانی‌پذیر بودن مخلوقات، بر این نکته تأکید شده است که حاکمیت تنها از آن خداوند است و از همین رو، همه آدمیان به سوی آفریدگارشان بازگردانده می‌شوند.

از دیگر آیات نگارش یافته بر سنگ‌مزارهای توران‌پشت که موضوع مرگ و میر در آن محوریت دارد، آیه ۵۳ سوره انبیاست: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ». (نک: کتبیبه ۲۵) در این آیه افزون بر حتمی بودن مرگ و بازگشت به سوی خداوند که در آیات پیشین نیز بدان اشاره شده بود، به سنت امتحان و آزمایش آدمیان بواسطه بدی‌ها و خوبی‌ها (اصطلاح تخصصی: ابتلاء) اشاره رفته است.

آیه ۵۵ سوره طه «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه/۵۵) نیز در برخی از سنگ‌مزارها دیده می‌شود (نک: کتبیبه ۸). نکته کلیدی این آیه، اثبات رستاخیز از رهگذر توجه دادن به قدرت خداوند است که انسان‌ها را از خاک آفریده است.

### ۲.۱.۵ یادکرد پاداش و نعمت‌های اخروی

اشاره به پاداش‌های متقین و نام بردن از نعمت‌های بهشتی، محور موضوعی طیف وسیعی از آیات به کار رفته در سنگ‌مزارهاست. این آیات قطعاً جنبه پند و موعظت داشته است و زائران قدم‌زننده در لابه لای قبور را به انجام کردارهای نیک تشویق و تهییج می‌کرده است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که ممکن است این آیات جنبه دلالتی نیز داشته باشد؛ با این توضیح که متوفی، انسان نیکوکاری بوده است و بازماندگان به منظور برجسته کردن کارهای خیر و پرتوایش، اقدام به درج چنین آیاتی کرده‌اند. بنابراین این دسته از سنگ‌مزارها در نقش یادبود تقدیر از نیکوکاران نیز بوده است. از شاخص‌ترین آیات به کار رفته در این موضوع، بخش‌هایی از سوره زمر است: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا

... وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَبَوْا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» (الزمر/۷۳-۷۵) (نک: کتبیہ ۲۴). در این آیات بر این نکته تصریح شده است که تقوایندگان در دنیا، در قیامت گروه گروه به سوی بهشت برده شده و آن هنگام درهای بهشت برایشان گشوده می‌شود. آیات ۴۵ تا ۵۰ سوره حجر نیز به همین امر دلالت می‌کند و بر همین منطقی بر سنگ‌قبرها تراشیده شده است (نک: کتبیہ ۶). به نظر می‌رسد وجود دو عبارت «ادخلوها بسلام آمین» که بر امنیت و طیب‌خاطر متقین و «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» که بر نیاز گناهکاران به بخشش خداوندگار اشاره دارد (نک: قشیری، ج ۲، ۲۷۳-۲۷۴)، رمز انتخاب این آیات است. علاوه بر آیاتی که تاکنون در رابطه با پاداش‌های اخروی ذکر شد، آیات دیگری نیز با همین موضوع بر سنگ‌مزارها نگارش یافته که در ذیل فهرست می‌شوند:

آیات ۷۵ تا ۷۷ سوره فرقان: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا. خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا. قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (نک: کتبیہ ۲۲).

آیات ۵۵ تا ۵۸ سوره یس: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ. هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَّكِفُونَ. لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ. سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (نک: کتبیہ ۲۱).

آیه ۱۰۷ سوره کهف: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (نک: کتبیہ ۱۵).

آیات ۵۱ تا ۵۳ سوره دخان: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ. فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ. يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ» (نک: کتبیہ ۱۱).

آیات ۱۷ و ۱۸ سوره طور: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ. فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (نک: کتبیہ ۱۴).

آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قمر: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ. فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ» (نک: کتبیہ ۷).

## ۲.۵ یادکرد و تذکار مسائل دینی

در پی جست‌جوی انتخاب آیات در آراستن سنگ‌قبور، به مواردی برمی‌خوریم که به نظر می‌رسد هدف، تنها یادآوری آیاتی است که از دید کسانی که در آن دوره می‌زیستند،

اهمیت ویژه‌ای داشته است. حال این اهمیت، می‌تواند دلایل خاصی داشته باشد. از آن جهت که اطلاعات تاریخی خاصی از توران‌پشت بر جای نمانده، تنها می‌تواند به چند حدس بسنده کرد: ۱) نخست آنکه در منطقه، تعدادی غیر مسلمان می‌زیستند<sup>۳</sup> و این آیات، جنبه هویتی و تمایزبخشی داشته است؛ ۲) کارکرد هدایتی و آموزشی با این توضیح که مضمون برخی از آیات، یادآور مهمترین آموزه‌های اسلامی است و از عموم مسلمانان پایبندی به این آموزه‌ها انتظار می‌رود. در اینجا به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود.

### ۱.۲.۵ آیه ذکر

یکی از آموزه‌های دین اسلام، پاس‌داشت یاد خداوند در ذهن و قلب و نیز جاری ساختنش بر زبان است که از آن به «ذکر» یاد می‌شود. در آیه ۴۵ سوره عنکبوت، ذکر این چنین ارجمند شمرده شده است: «...وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ...». همین آیه در کتیبه ۲۳ بر سنگ‌قبری به نگارش درآمده است (برای جایگاه و کارکرد ذکر در فرهنگ اسلامی، نک: مهرش: ۱۳۹۲، ۶۹-۱۱۲). فارغ از تشویق و تهییج زائران قبور به یاد خداوند در پس قرائت آیه فوق که متناسب با تفسیر مشهوری است که مفسران ارائه داده‌اند<sup>۴</sup>، می‌توان احتمالات دیگری نیز مطرح نظر قرار داد. توضیح آنکه برخی به این تفسیر روی آوردند که «بیش از آنکه انسان با نمازش به یاد خدا باشد، این خداست که به یاد بندگان خویش است» (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ۳۸۵). در روایتی به ثبت آمده از امام باقر(ع)، بر همین تفسیر صحه گذاشته شده و ضمن یادآوری آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره/ ۱۵۲)، به این نکته اشاره رفته است که یاد و توجه خداوند نسبت به بندگان، بسیار بیشتر و عظیم‌تر از یادی است که مؤمنان در قالب نماز نسبت به پروردگارشان دارند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۱۵۰). ادامه سنگ‌نوشته که طلب مغفرت و عجز در گور خوابیده را بازتاب می‌دهد، با تفسیر اخیر سازگارتر است: «اللهم اغفر لصاحب هذا القبر و تقبل حسناتها و تجاوز عن سيئاتها ... اجعل قبرها روضة من رياض الجنة و لا تجعل حفرة من حفر النيران يا ارحم الراحمين».

احتمال دیگری که می‌توان به عنوان یک فرضیه مطرح کرد، ارتباط آیه با جریان‌های عرفان و تصوف باشد؛ همان گروه‌هایی که ذکر را بسیار خطیر و حیاتی می‌شمردند. در اینجا تنها به این نکته بسنده می‌کنیم که دستورالعمل‌هایی حاوی اذکار الهی در میان عارفان رواج داشته است و اقطاب معتقد بودند مریدان باید همواره دائم الذکر باشند تا یکی از مقدمات وصول به قرب الهی و صعود به مقام ولی‌اللهی محقق شود (نصر، ۱۳۸۵: ج ۱۵، ۴۰۱). بر

۷۰ تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران‌پشت؛ یادمانی با داده‌های ...

این اساس کاتبان این آیه، اهمیت مفهوم ذکر نزد خود را نشان داده و احیاناً متوفی را فردی اهل ذکر و با روحیه زهد و عرفان معرفی کرده‌اند.

### ۲.۲.۵ آیه ۷۸ سوره اسراء

مضامین مرتبط با نماز به عنوان یکی از فروع ده‌گانه دین اسلام نیز بر پاره‌ای از سنگ‌نگاره‌های مزار توران‌پشت دیده می‌شود. برای نمونه می‌توان به آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» (الاسراء/۷۸) اشاره داشت (نک: کتیبه ۳).

از کتابت آیه‌ای از قرآن با موضوع امر به نماز گزاردن، بر سنگ‌قبر، می‌توان دریافت که پرستش و عبادت حق تعالی نزد نگارندگان و یا شخص متوفی امری بسیار مهم بوده است. از آنجا که آیه مربوط به اوقات نماز است، می‌توان بر آن بود که نگارش این آیه، کارکردی آموزشی داشته است. این احتمال نیز می‌تواند معقول بنماید که ما با گور فردی مواجهیم که از عبادت بوده است. وجود اوصافی چون «الزاهد العابد» در سنگ‌مزارهای این قبرستان این احتمال را قوت می‌بخشد.

### ۳.۲.۵ آیه ۱۹۰ سوره آل عمران

روایات بسیاری بر زیارت قبر اموات تأکید دارند و این عمل را موجب تذکر و عبرت‌گیری می‌دانند (برای نمونه نک: قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۹) در آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۱۹۰) که بر برخی از سنگ‌مزارها به چشم می‌خورد نیز به مسأله عبرت‌انگیز بودن برخی پدیده‌های عالم، خصوصاً برای خردمندان اشاره رفته است (نک: کتیبه ۲). بر این اساس، کاتبان با نگارش این آیه بر سنگ‌قبر، عبرت‌انگیز بودن پدیده مرگ را متذکر شده‌اند و از زائران می‌خواهند که اگر از زمره خردمندان هستند، از زیارت اهل قبور متنبه شوند.

### ۳.۵ فضائل و خواص آیات

گلچین برخی از آیات و حک شدن آنها بر سنگ‌مزارها به فضائل و خواص آیات بازمی‌گردد؛ آیاتی که از رهگذر برشمردن چنین مزیت‌هایی به قرائت مداومش سفارش شده



است. از همین رو، بر مدفن کنده‌کاری می‌شد تا ضمن ماندگاری فراوان، رهگذران از آن تلاوت کنند تا ثواب فراوانی عاید متوفی شود. توضیح به دو مقدمه نیاز دارد.

نخست آنکه انجام دادن عبادت به نیابت از فردی مرده و ارسال و اهدای ثواب به روح مردگان، باوری پذیرفته در سنت اسلامی است (مفید، ۱۴۱۳ق ب: ۲۰۹ و ۲۱۲). از آنجا که در دین زردشتی نیز خیرات و مبرات برای مردگان وجود داشته است، این باور نزد ایرانیان، نفوذ و گستره فراوانی داشته و دارد (برای توضیحات و شواهد، نک: میرحسینی، ۱۳۹۴: ج ۳، ۴۹-۵۰). مقدمه دوم آنکه باید به رسم مشهور «فاتحه‌خوانی» در میان عموم مردم اشاره کرد؛ آن دسته از ارسال ثوابی که مبتنی بر اذکار و اوراد بویژه قرائت سوره و آیاتی از قرآن مبتنی است.<sup>۵</sup> حال از آنجا که بسیاری از ایرانیان معتقد بودند فاتحه‌خوانی باید بر سر گورها انجام شود<sup>۶</sup> و این آموزه اسلامی که تلاوت قرآن از روی نوشته، فضیلتی دو چندان دارد<sup>۷</sup>، آیات بر لوحه‌های مزار به کتابت درمی‌آمدند. مواردی که در پی می‌آید، از این شمارند.

### ۱.۳.۵ آیات ۱۸-۱۹ سوره آل عمران

آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۸-۱۹) که به آیه شهادت مشهور است (شیخ بهایی، بی تا: ۱۱۳) در برخی مزارنوشته‌ها دیده می‌شود (نک: کتیبه ۱). مضمون اصلی آیات فوق، توحید و شهادت به یگانگی ذات باری تعالی است. این آیات در مناسبت‌های گوناگونی توسط بزرگان دین تلاوت شده و یا به قرائت سفارش شده است. (برای نمونه رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۸۹). از جمله مواقعی که به قرائت آیه ۱۸ یا ۱۹ و بویژه عبارت «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» توصیه شده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: به هنگام وصیت (قاضی نعمان، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۳۴۶)، شب‌هنگام و پیش از خواب (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۴۵۹)، جهت استشفای امراض (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۶۶)، در شرایط جنگ (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۸۹)، به منظور رفع فزع و بی‌تابی (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۰۹). همچنین به این نکته اشاره رفته است که اگر آیه فوق به همراه فاتحه‌الکتاب، آیه‌الکرسی و آیه‌الملک تلاوت شود، نظر لطف و فیض الهی جلب شده و در نتیجه حاجات برآورده می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۶۴۲). چنانچه درج آیه فوق، ارتباطی با شخصیت دنیوی متوفی داشته باشد، باید مرقد را از آن عالمی والامقام دانست؛ از آن رو که برخی این آیه را در فضیلت اهل علم شمرده‌اند (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۹۲).

همچنین چنانچه تمرکز ما بر عبارت «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» باشد و چنانکه گذشت، مردمانی از سایر ادیان در توران‌پشت می‌زیستند، این احتمال قوت می‌گیرد که در مقام تمایز هویتی و به رخ کشیدن حقانیت دین اسلام، این دو آیه بر سنگ‌قبر که ماندگاری بسیاری دارد، تراشیده می‌شدند.

### ۲.۳.۵ آیات پایانی سوره حشر

این آیات نیز در برخی گورجای‌ها مشاهده می‌شود: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر / ۲۱-۲۳). (نک: کتبیبه ۲۰). قرائت واپسین آیات سوره حشر به همراه آیه شهادت - که توضیح آن گذشت - نقل و سفارش شده است (برای نمونه رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۸۹). افزون بر آن، به صورت مجزا نیز روایاتی در باب قرائت این آیات در مناسبت‌ها، مکان‌ها و شرایط گوناگون وارد شده است: به عنوان ذکر صبحگاهان و شامگاهان (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۴۳۵)، در زیارت امام حسین (ع) (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۱۰۲)، در برخی نمازهای مستحبی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۷ و ۹۸)، در تعقیبات نماز (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۶۸)، برای قضای دین و دفع ظلم سلطان (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۲). به منظور برطرف شدن تب (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۷۰) و به طور کلی شفا از دردها (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۸۷) نیز روایاتی وجود دارد. در فضیلت این آیات همین بس که رسول اکرم (ص) بر این نکته تأکید کردند هر کس آیات آخر سوره حشر را بخواند و در آن روز یا شب بمیرد، شهید محسوب می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۹، ۳۰۸-۳۱۰). با این همه فضیلت، پر واضح است که این آیات در صدر انتخاب مسلمانان برای درج در کتیبه‌های محراب مساجد، مدارس و از جمله در آرامگاه‌ها قرار گرفته باشد.

افزون بر این، به دلیل اشتغال آیات فوق بر اسماء و صفات الهی و احتمالاً اسم اعظم خداوند (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۲۰۲) و علاقه‌ای که عرفا به یافتن اسم اعظم دارند، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که در گذشته از جمله عارفان بوده باشد.

### ۳.۳.۵ سورهٔ اخلاص

جایگاه ویژه‌ای که سوره توحید در میان مسلمانان بویژه ایرانیان دارد، باعث شده این آیه بر مزارها به کتابت درآید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص / ۱-۴) (نک: کتبیبه ۱۶). قطعاً درج این آیات به فضیلت آن بازمی‌گردد. این سوره در برخی روایات، معادل ثلث قرآن دانسته شده (زرکشی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۱۰۹) و با گستره فراوانی از کاربردها، توصیه‌ها، فضیلت‌ها و خواص منقول از بزرگان دین همراه بوده است. فضائل و خواص این سوره را در موضوعات مختلفی می‌توان دنبال کرد. از جمله باید به این موارد اشاره کرد: وصول به غایات و رفع حاجات (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۶، ۶۲۳)، برطرف شدن اندوه (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۲۶۰) و از بین رفتن فقر (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۵). نیز در این مواضع بر قرائتش توصیه شده است: قرائت در نماز، در دعای خروج از منزل، پیش و پس از خواب و هنگام سفر (برای همه موارد، به ترتیب نک: کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۶، ۱۵۲، ۴، ۴۶۷-۴۶۸، ۴۵۸، ۴، ۴۷۸).

تعداد این روایات به قدری است که باید گفت کمتر سوره‌ای این چنین بر تلاوتش تأکید شده و حتی روایاتی در نهی و عقاب کسی که قرائت این سوره را - حتی برای مدت محدود - ترک گوید، وارد شده است (برقی، ۱۳۷۱ق: ج ۱، ۹۵ و ۹۶).

نکته حائز اهمیت که در بحث حاضر بسیار کمک‌رسان است آنکه پربسامدترین فضیلت قرائت سوره اخلاص، آمرزش گناهان و درآمدن به بهشت است (مقایسه کنید موضوعات مختلفی که به ثبت آمده است؛ نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۱۱-۴۱۵)؛ پس سوره توحید بر قبور تراشیده می‌شد تا با خواندن آن خیر و ثوابی به مرده رسد. به عبارت دیگر، زائر با مشاهده سوره توحید بر سنگ‌قبر و تلاوت آن، هدیه‌ای چون برائت از آتش و امان از عذاب (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶، ۴۱۳) برایش می‌فرستد. احتمالاً این فضیلت که قرائت سوره اخلاص موجب آمرزش پدر، مادر و فرزندان قاری می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۶۴۶ - ۶۴۷) نیز در این انتخاب دخیل بوده باشد.

### ۴.۵ آیات متناسب با جریان زهد و تصوف

از میان آیاتی که بر سنگ‌مزارها نگارش یافته‌اند در برخی از موارد با آیاتی مواجهیم که درک مناسب آن‌ها بدون توجه به حضور فرهنگ زهد و تصوف در عهدی مقارن با کتابت

سنگ‌نوشته‌ها امکان پذیر نیست. بر پایه مضمون کتیبه‌ها، می‌توان چنین فرضیه‌ای را قوی انگاشت که عارفان و صوفیان در قرن‌های چهارم تا هفتم هجری، حضوری پر رنگ و چشم‌گیر در توران‌پشت داشته‌اند. پیش از درج آیات، به شواهدی اشاره خواهیم کرد که توجه به مجموع آنها، مؤید حضور جریان عرفان و تصوف در این منطقه است:

الف) در یکی از سنگ‌نوشته‌های دره‌گازه - ناحیه‌ای در توران‌پشت - عبارت «قطب کامل» به نگارش درآمده است؛ مفهومی که اهل تصوف از آن برای یادکرد والاترین مقام رهبران خود که آنها را اولیاءالله و مقربان درگاه الهی می‌خوانند، بهره می‌جویند (برای توضیح بیشتر، نک: مستملی بخاری، ۱۳۶۱: ج ۱، ۱۰).

ب) در چند مورد از سنگ‌نوشته‌ها با نام «جنید» بر می‌خوریم. گرچه در این باره متن مکتوبی وجود ندارد، اما با استفاده از مباحث نام‌شناسی (Onomasiology & Onomastics)، می‌توان بر این نکته پای فشرد که به دلیل جایگاه ویژه شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی - عارف ایرانی تبار و مشهور قرن سوم - در میان عارفان (نک: عطار نیشابوری، ۱۹۰۵م، ج ۲، ۵) و علاقه مردمان این منطقه به وی، مردمان نام فرزندان خود را جنید می‌نهادند (برای هدفمندی نام‌گذاری و اهمیت آن در استخراج داده‌های علمی، نک: پاکتچی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۱۷۸-۱۸۷). حتی بقعه‌ای به نام «شیخ جنید» در توران‌پشت وجود دارد که همچنان محل زیارت است. در باورهای عامیانه، برخی از توران‌پشتی‌ها معتقدند این مقبره از آن همان جنید معروف است (افشار، ۱۳۸۵ ب: ۲۷۴؛ قوچانی، ۱۳۸۳: ۳۰).<sup>۱</sup>

ج) افزون بر این، باید به حکاکای اشعاری با مضامین عرفانی اشاره کرد. برای نمونه، می‌توان به شعری از سنایی، از جمله شاعران عارف‌مسلك - اشاره کرد که بر مرقدی در سال ۵۱۴ هجری کتابت یافته است:

چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری  
که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی  
(سنایی، بی تا: ۲۲۹)

با توجه به سال‌مرگ سنایی در ۵۳۵ قمری، این بیت ۲۱ سال پیش از بدرود حیات سراینده بر این سنگ قبر نگارش یافته است؛ بنابراین ارتباط صوفیان توران‌پشت با صوفیان خراسان بسیار تنگاتنگ بوده است.

د) در سنگ‌مزارهای توران‌پشت، از عناوینی چون «شیخ»، «شاب»، «زاهد»، «صالح» و «عابد» به طور گسترده استفاده شده است؛ الفاظی که نزد صوفیه، ارج و قرب بسیاری دارد.

از میان سنگ‌مزارهای توران‌پشت، ۳۵ بار از تعبیر شیخ و ۴۳ بار از تعبیر شتاب در معرفی درگذشتگان استفاده شده است. شیخ به معنای «پیر طریقت» و شتاب به معنای «مرید و یا کسی که در آغاز راه عرفان قرار دارد» است؛ از همین رو در دیوان حافظ، «شباب» و «شیخ» رابطه همنشینی دارد: بیا و کشتی ما در شط شراب انداز / خروش و ولوله در جان شیخ و شتاب انداز (حافظ، ۱۳۷۹: ۲۴۷). شاهدی که دلالت بیشتری بر این امر دارد، ترکیب «شباب» و «الطریق» در سنگ‌نوشته‌ای است که به یادگار مانده است. (دهقانیان، ۱۳۸۷: ج ۲، ۶۳۸) طریق، کلمه‌ای است که بر سیر و سلوک عرفانی دلالت می‌کند.

حال که با شواهد فوق نشان دادیم تصوف تا چه اندازه در توران‌پشت نفوذ داشته است، می‌توان چرایی انتخاب برخی از آیات قرآنی تراشیده بر سنگ‌مزارها را توضیح داد و ارتباط آنها را با آموزه‌های صوفیه یادآور شد. پیش‌تر نیز مناسبت آیات قرآنی به کار رفته در سنگ‌نوشته‌های ناحیه دره‌گازه توران‌پشت، در پرتو تفاسیر عرفانی مورد توجه بوده است (نک: صادقی، ۱۳۹۶: ۱۹-۳۶)

#### ۱.۴.۵ آیات مشتمل بر واژگان «اولیاء» و «عباد»

صوفیان از میان عناوین ممدوح قرآنی، علاقه ویژه‌ای به «ولی/اولیاء» و «عبد/عباد» دارند. از همین رو در مزارنوشته‌های توران‌پشت از آیاتی که چنین واژگانی در آنها به کار رفته باشد، به وفور یافت می‌شود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس/۶۲-۶۴) (نک: کتیبه ۴)؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ. نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ...» (فصلت/۳۰-۳۲) (نک: کتیبه ۱۹).

آیات ۶۸ تا ۷۰ سوره زخرف نیز بر سنگ‌ها تراشیده شده است: «يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ... ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (زخرف/۶۸-۷۰) (نک: کتیبه ۱۷).

آیات فوق، بارها بر سنگ‌مزار افرادی که «شیخ» خوانده شده و انتساب آشکاری به تصوف دارند، کتابت شده است. به نظر می‌رسد این آیات از دو جهت، مناسب‌ترین آیاتی باشند که می‌توانسته بر لوح‌مزار مشایخ صوفیه به نگارش درآید؛ نخست از یک سو، تعبیر «اولیاء الله» انتساب متوفی را به تصوف نشان می‌دهد چنانکه عطار نیشابوری نام کتاب خود را «تذکره الأولیاء» نهاده است. از دیگر سو، مضامینی متناسب با مرگ و معاد در آنها طرح

۷۶ تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران‌پشت؛ یادمانی با داده‌های ...

شده است. شایان توجه است، واژه اولیاء بر لوح مزار عارف نامبرداری چون هجویری نیز حک شده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۴). در آیات ۶۸ تا ۷۹ سوره زحرف که با تعبیر «یا عباد» از اولیاء الله یاد شده، افزون بر اطمینان خاطر به بهشتیان، بر این نکته کلیدی اشاره رفته است که همسران شما نیز به بهشت درخواهند آمد. هیچ بعید نیست بازماندگان برای تسلی خاطر همسر متوفی، به چنین انتخابی دست یازیده باشند.

#### ۲.۴.۵ آیه ۱۲۸ سوره نحل: همراهی متقین با خداوند

آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» بر کتیبه ۱۳ به ثبت آمده است. این آیه تنها یک بار، و آن هم بر سنگ قبر فردی که با عنوان «شاب» از او یاد شده، حک شده است. واژه «محسنون» و عنوان شاب، یادآور مفهوم فتوت در آموزه‌های صوفیه است. فتوت یا جوانمردی از دیدگاه صوفیان، به معنای خدمت به خلق بدون چشم‌داشت پاداش و نظر داشتن به خدمت خود است. جنید بغدادی در این باره گوید: «فتوت نزدیک من آن است که فتوت را نبینی و آن چه کرده باشی، به خود نسبت نکنی که این من می‌کنم» (عطّار نیشابوری، ۱۹۰۵م: ج ۱، ۳۲۶). ابن بطوطه در رحله خویش در مورد فتیان چنین گزارش داده است:

گروه فتیان در غریب‌نوازی و اطعام و برآوردن حوائج مردم و دستگیری از مظلومان در تمام دنیا بی‌نظیرند. هر یک از گروه‌ها، خانقاهی دارد مجهز به فرش و چراغ و لوازم ... من در تمام دنیا مردم نیکوتر از آن‌ها ندیده‌ام (ابن بطوطه، ۱۳۳۰: ج ۱، ۳۴۸).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان بر آن بود به کار رفتن تعبیر «محسنون» در آیه فوق، بر این نکته اشاره دارد که فرد متوفی در کمک به دیگران پیش قدم بوده و فردی نیکوکار و جوانمرد شناخته می‌شده است.

#### ۳.۴.۵ آیه ۵۳ سوره زمر: امیدبخش‌ترین آیه

آیه «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (الزمر/۵۳) که در فرهنگ اسلامی، به «أرجی آیه فی کتاب الله» مشهور است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۸۸)، فقط یک بار و آن هم بر مرقد زنی با نام «رحمه» نگارش یافته است (نک: کتیبه ۵). بار دیگر به کار رفتن واژه شاب، به صورت «هذا قبر الشاب

رحمة بنت الحسین...» در متن سنگ‌نوشته به خوبی نشان می‌دهد که با زنی با گرایش‌های زاهدانه و صوفیانه مواجه هستیم. آیه فوق بسیار مورد توجه گروه‌هایی با گرایش‌های عرفانی است. از همین‌رو سهل بن عبدالله تستری (د ۲۸۳ ق) در تفسیرش که بر آن نبوده همه آیات قرآن را تفسیر کند و به عبارت دیگر، گزینشی به تفسیر آیات دست زده است، آیه فوق را تفسیر کرده و آن را رساترین آیه قرآن در موضوع اشفاق خداوند به بندگانش دانسته است (تستری ۱۴۲۳ق: ج ۱، ۱۳۴). دیگر مفسر عرفانی، رشیدالدین میبیدی (د ۵۳۰ ق) نیز که تقریباً در روزگاری مقارن با وفات این زن می‌زیسته، به این نکته اشاره کرده که گرچه گناهان بسیاری از سوی آدمیان سر می‌زند، اما باز خداوند آنها را «عبادی/بندگان من» خوانده است؛ این نحوه از یادکرد، به آدمیان شرافت بخشیده چرا که همچنان آنها را بندگان خود دانسته است. همچنین میبیدی بر «اسرفوا» تمرکز کرده و رمز کاربست این واژه را در پوشیده داشتن گناه بندگان و اراده خداوند بر آموزش آنها دانسته است (میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۴۴۰).

#### ۴.۴.۵ آیه امانت

آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا... وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (الأحزاب/ ۷۲ و ۷۳) مشهور به «آیه امانت» در فرهنگ اسلامی (حریری، ۱۳۸۴: ۱۲) در برخی سنگ‌نگاره‌ها یافت می‌شود (نک: کتیبه ۱۸). گرچه بر سنگ جز این آیه، مطلب دیگری به نگارش درنیامده و حتی هیچ اشاره‌ای به نام و عنوان متوفی نرفته است، اما می‌توان این احتمال را قوی انگاشت که درج آیه به گرایش‌های عرفانی مرتبط است. آیه فوق به سبب در برداشتن حقایق ناب عرفانی، همواره مورد توجه عارفان بوده است؛ برای نمونه ابوحامد غزالی (د ۵۰۵ ق) در کتاب مکاشفه القلوب المقرب إلى علام الغیوب که آن را با بهره‌گیری از آیات و روایات پیرامون موضوعات اخلاقی و عرفانی نوشته، بابی با عنوان امانت می‌گشاید و آن را با این آیه آغاز می‌کند (غزالی، ۱۴۲۲ق: ۵۷؛ نیز نک: بقلی شیرازی، ۲۰۰۸م: ج ۳، ۱۵۰). پیدایی مفهوم «بار امانت» و «عهد امانت» دقیقاً ذیل همین آیه در کوشش‌های عرفا و صوفیه شکل گرفته است (علمی و تسلیمی‌پاک، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۴۲).

### ۵.۵ ارتباط و دلالت آیه با متوفی

غالب آیات در آرامگاه باستانی توران‌پشت، در ارتباطی وثیق با یکی از چهار دلیل پیش گفته است. اما تعداد اندکی از آن‌ها را نمی‌توان چندان با آنچه پیش از این گفته آمد، تحلیل کرد. فرضیه‌ای که در این قسمت طرح شده آن است که آیات انتخابی به نحوی در ارتباط با در گور خفتگان باشد. به عبارت دیگر، آیات مندرج بر سنگ‌مزار همچون شناسنامه‌ای است که از هویت آنها پرده برمی‌دارد.

#### ۱.۵.۵ آیه ۱۹ سوره توبه

آیه «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه / ۱۹) بر کتیبه شماره ۱۲ با ظرایفی مکتوب شده است. در این آیه، میان دو گروه و دو نوع طرز تفکر مقایسه صورت پذیرفته و ارزش‌گذاری شده است؛ گروهی به کارهای خیر عرفی و اجتماعی همچون سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام مشغول هستند و دسته‌ای دیگر با ایمان به خدا و روز قیامت، به جهاد در راه خدا می‌پردازند. گرچه در آیه صراحتاً به برتری اشاره‌ای نرفته است اما استفهام انکاری و دیگر کاربردهای قرآنی، نشان از برتری گروه دوم دارد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۷۵). بنابراین می‌توان احتمال داد ما با قبر فردی مواجهیم که ضمن جهاد، در راه خدا به شهادت رسیده است. این سنگ‌مزار بنا بر متون تراشیده بر آن، در سال ۶۴۸ هجری یعنی مقارن با دوران پر آشوب حمله مغول کتابت شده است و به احتمال فراوان، صاحب قبر در حمله مغول به شهادت رسیده است. البته متون تاریخی از مصون ماندن خاک یزد در حمله مغول خبر داده‌اند (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۷۰-۷۲). با این حال هنوز این احتمال وجود دارد که صاحب قبر در جایی خارج از محدوده یزد به شهادت رسیده باشد؛ اما جنازه او را پس از شهادت به توران‌پشت بازگردانده شده باشد. این احتمال با تعبیری همچون «قُتِلَ» و یا «مات الغریب الشہید» که در بعضی دیگر از کتیبه‌های سنگ‌مزار دیده می‌شود، قوت می‌یابد.

#### ۲.۵.۵ آیه ۲۹ سوره مؤمنون

در نمونه‌ای نادر، آیه «وَقُلْ رَبِّ انزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (مؤمنون / ۲۹) بر کتیبه شماره ۱۰ نگارش یافته است. این آیه، بخشی از دعای حضرت نوح(ع) است که



هنگام طوفان و سوار شدن بر کشتی، به امر خداوند مأمور به تلاوت آن بوده است. عبارت کامل این آیه و آیه پیشین این چنین است: «هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدی و استقرار یافتی، خدا را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس بجا آور و بگو: حمد خدایی را که ما را از قوم ستمگر رهایی بخشید و از درگاهش چنین تقاضا کن و بگو: پروردگارا! مرا در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگانی». جدا کردن آیه ۲۹ از آیه پیشین و نگارش آن بر سنگ‌مزار، آیه را از بافت معنایی خود جدا کرده است؛ اما آنگاه که این قطعه، در محل دفن مردگان به نگارش درآید، معنای تازه‌ای به ذهن متبادر می‌کند و آن این است که «خداوندگارا قبر را منزل و مأوای مبارکی بر من قرار ده» و یا با نظر داشت قیامت و جهان واپسین، آرزوی بهشت مطرح شده است.

فارغ از برداشت فوق، چنانچه نپنداریم آیه از بافت خود خارج شده، و همان بافت داستان حضرت نوح(ع) نیز همین جا پابرجا بوده باشد، می‌توان این احتمال را مطرح کرد کسی که در گور خفته، اهل توران‌پشت نبوده است؛ یا به صورت موقت، مدتی در آنجا سکنی گزیده بوده و یا آنکه در خلال سفر، در این محل قالب تهی کرده باشد. توجه به کاربرد تعبیر «مُنزل» در آیه فوق و این نکته که توران‌پشت در گذشته بر مسیر اصلی راه فارس به خراسان قرار داشته است (سعیدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۴۶)، این احتمال را تقویت می‌کند. همچنین نسبت‌های «مروی» و «شیرازی» که در پاره‌ای از مزارنوشته‌ها به چشم می‌آید، نشانگر عبور و مرورهای فراوان از این منطقه است.

### ۳.۵.۵ آیه ۹ سوره زمر

آیه «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر / ۹) بر کتیبه شماره ۶ مشاهده می‌شود. فخر رازی عبارت «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» را تنبیه بزرگی بر فضیلت علم می‌شمارد و عبارت «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» را نشانگر آن می‌داند که تفاوت عالمان و جاهلان را تنها صاحبان خرد درمی‌یابند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۶، ۴۲۸).

بنا بر آنچه ذکر شد می‌توان احتمال داد متوفی در زمره عالمان و از مصدق اولواالالباب بوده باشد و بازماندگان با کتابت این آیه بر لوح مزارش به این مطلب اشاره کرده‌اند. این سنت همچنان در میان مسلمانان پابرجاست و بر سنگ مقبره علما و فرهیختگان، آیاتی ناظر بر علم ایشان به کتابت درمی‌آید.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این نوشتار، ۵۱۰ سنگ‌مزار آرامستان تاریخی توران‌پشت از حیث اشتغال بر آیات قرآنی، مورد بررسی قرار گرفت. با حذف آیات تکراری و استخراج فراوانی آیات مندرج، ۲۵ سنگ‌قبر انتخاب شد تا محدوده مطالعه موردی مشخص شده و چرایی انتخاب این آیات چه بوده است. با تحلیل متنی آیات و مدد گرفتن از برخی اطلاعات تاریخی، ۵ دلیل به دست آمد: (۱) اغلب آیات در ارتباطی مستقیم با مسائل آخرت‌شناختی قرار دارند؛ مسائلی مانند حقانیت مرگ و یادکرد پادشاه‌های اخروی. (۲) پاره‌ای دیگر از آیات، حاوی مهمترین مسائل دینی بودند و سنگ‌قبر به‌مثابه لوحی آموزشی، آن نکات را بر رهگذران گوشزد می‌کند. اوقات نماز و ذکر از این شمار بودند. (۳) فضایل و خواص فراوان برخی آیات، دیگر انگیزه‌ای است که منجر به درج آن آیات شده است. (۴) حضور قدرتمند و پرنفوذ زهد و تصوف در توران‌پشت، می‌تواند توجیه‌گر انتخاب آیاتی باشد که خوشایند گرایندگان به عرفان بوده است. آیه امانت و طیف آیاتی که در آن از عباد و اولیا بحث شده است، از این قبیل هستند. (۵) واپسین فرضیه آن است که برخی آیات، در ارتباط با موقعیت اجتماعی و یا ویژگی‌های فردی متوفی باشد؛ یعنی با انتخاب آیه‌ای خاص، به طور ضمنی به آن ویژگی اشاره شده باشد.

این نوشتار کوشید در مورد آیات قرآنی به کار رفته در کتیبه‌ها و مزارنوشته‌ها، عنصر «گزینش و انتخاب» را برجسته نماید و ضمن تحلیل آیات و مدد جستن از گزاره‌های تاریخی، از برخی اهداف و انگیزه‌های عاملان آن پرده بردارد؛ امری که در نگاه ابتدایی و با ذهنی خودکار شده، مورد سؤال قرار نمی‌گیرد. در پایان باید گفت، تحلیل محتوای سنگ‌نوشته‌ها که از استخراج بسامد و تکرار آیات به دست آمد، نشان می‌دهد ۲۳۷ آیه درباره حتمی بودن مرگ و به سر رسیدن اجل است و ۶۵ آیه، پادشاه‌های اخروی را گوشزد می‌کند. نیز ۹ آیه در ارتباط با خواص آیات و کمینه ۲۲ آیه در ارتباطی وثیق با جریان زهد و تصوف می‌باشد. تحلیل محتوای سنگ‌نوشته‌های توران‌پشت نشان می‌دهد گورستان‌ها در سده‌های پیشین، حوزه عمومی مهم جامعه برای انتقال نشانه‌های اسلامی بوده و نقش مهمی در تعمیق آموزه‌های اخلاقی و دینی ایفا می‌کرده است؛ امری که به فراموشی سپرده شده و دیگر امروزه چنین کارکردی از مزارها توقع نمی‌رود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در سیاحت‌نامه هیئت نصب تلگراف به سال ۱۸۷۹ میلادی، بر این نکته تصریح شده است که در روزگاران گذشته، توران‌پشت به قدری بزرگ بوده که آن را شهر می‌خواندند (افشار، ۱۳۸۵ الف: ج ۱۹، ۱۹۸).
۲. امروزه این منطقه در ۱۵ کیلومتری جنوب توران‌پشت قرار دارد و در گذشته به عنوان یکی از منزلگاه‌های مسیر فارس به خراسان یاد شده است (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۰؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۵).
۳. گرچه اطلاع مکتوبی در میان نیست اما در توران‌پشت یک تپه سنگی وجود دارد که بر فراز آن حفره ای مربع شکل تراشیده شده است. همسانی این مکان با آنچه در اقلید فارس بدان «حوضچه دختر گبر» گفته می‌شود - خصوصاً با خواندن متون پهلوی منقوش بر آن و اثبات اینکه آنجا دخمه مردگان بوده است - نشان می‌دهد که در اینجا نیز احتمالاً با گور دخمه مواجه هستیم. نکته شایان توجه آن است که مردم محلی به حواشی این تپه «استین» می‌گویند. بنابراین از لحاظ واژه‌شناسی نیز می‌توان این احتمال را مطرح کرد که استین صورت تغییر شکل یافته واژه استودان باشد؛ همان محلی که استخوان مردگان زردشتی در آنجا نهاده می‌شد (دهخدا، ذیل واژه استودان؛ نیز برای مربع شکل بودن برخی گورجای‌های زرتشتی، نک: دهخدا، ذیل دخمه).
۴. از آنجا که پیش از «وَلَذِكُرُ اللَّهَ أَكْبَرُ»، از «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» سخن به میان آمده است، غالب مفسران برآنند که مقصود از عبارت پسین آن است که ذکر خداوند از نماز بالاتر است (ابوليث سمرقندی، بی تا: ج ۲، ۶۳۵).
۵. در تتمه کتیبه ۱۲ آمده است: «خدای تعالی از آن مسلمان راضی باد که یک الحمد در کار [ ] کند». این عمل افزون بر اهدای ثواب، برایش کارکردهایی در رفع عذاب نیز برشمرده شده است؛ از جمله در موضوع حاضر یعنی آیات قرآنی، دقیقاً روایتی از امام صادق(ع) برجای مانده که قرائت قرآن، از عذاب والدین - گرچه کافر هم بوده باشند - می‌کاهد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۲۷).
۶. برای نمونه، سروستانی‌ها معتقدند نثار فاتحه باید با گذاشتن دست روی خاک همراه باشد (همایونی، ۱۳۷۱: ۵۵۶) و یا مردم شیراز معتقد بودند بعد از فاتحه باید هفت خط روی قبر کشید تا روح مرده از فاتحه فیض برد (همایونی، ۱۳۵۳: ۱۵۴).
۷. برای نمونه امام صادق(ع) حافظ قرآن را هنگام تلاوت، به نظر در مصحف فراخواندند؛ از آن رو که نگاه در نوشته قرآن، خود عبادت است (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ۶۲۸).
۸. با توجه به کتیبه ی آجری این مقبره (محفوظ در موزه ملی ایران) و همچنین لوح قدمگاه امام رضا(ع) (محفوظ در گالری فریر واشنگتن) می‌توان پی برد که این برج، آرامگاه امیر توران‌پشت

«ابی طاهر عمار بن علاء بن عبد الرحمن» بوده و به دستور فرزندش «جنید بن عمار» در سال ۵۴۳ ساخته شده است (نک: قوچانی، ۱۳۸۳: ۳۰-۳۹). با توجه به نگارش آیه‌ی تطهیر و صلوات بر ائمه اطهار در لوح گالری فریر، می‌توان به تشییع حاکم توران‌پشت در آن دوران حکم کرد. ۹. همین گمنامی و پرهیز از خودنمایی - طبق تعریف موسعی که از مشرب عرفانی سراغ داریم - خود می‌تواند نشانگر چنین روحیاتی در متوفی و بازماندگان او باشد.

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۱). «گلی بر مزاری: مزارنوشته نویافته‌ای به پهلوی ساسانی از کارزون» نامه ایران باستان، شماره اول، بهار و تابستان.
- آیتی، عبد الحسین (۱۳۱۷). تاریخ یزد، یزد: چاپخانه گل بهار.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). کمال الدین و تمام النعمه، تهران: اسلامیه
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). التوحید، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۳۰). سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: انتشارات آگاه.
- ابن خردادبه، عبید الله (۱۳۷۱). مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند با مقدمه آندره میکس، تهران: میراث ملل.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (بی تا). تحف العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ ق). مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دارالذخائر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اصطنخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰). مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۵۵). اطلال پارس (۵)، تهران: مجله یغما، شماره ۳۳۸.
- افشار، ایرج (۱۳۸۵ الف). «سفر نامه تلگرافچی فرنگی»، فرهنگ ایران زمین، تهران: انتشارات سخن.
- افشار، ایرج (۱۳۸۵ ب). یادگارهای یزد، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۴). «ارتباط وقف و تاریخ»، مجله میراث جاویدان.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰) هفتاد گفتار از ایرج افشار، به اهتمام حمید رضا عظیمی، تهران: انتشارات محمود افشار.
- انصاری، قاسم (۱۳۷۵). مقدمه بر کشف المحجوب، به تصحیح ژوکوفسکی و والتین یریش، تهران: طهوری.

- ابوليث سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا). بحر العلوم، به کوشش عمر عمروی، بیروت: دار الفکر.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۲۰۰۸ م). عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلر، شیلا (۱۳۹۵). «کتبیه‌شناسی: کتیبه های اسلامی در ایران» مترجم: دلارام کاردار، مجله چیدمان، شماره ۱۵.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق). انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹). درس گفتار روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، به کوشش مصطفی فروتن تنها، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ ق). تفسیر التستری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جامع الخیرات (۱۳۴۱) وقف‌نامه سید رکن الدین حسینی یزدی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۹). دیوان، به کوشش قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: جمهوری.
- حریری، محمد یوسف (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم: هجرت.
- دانش یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). کتیبه‌های اسلامی شهر یزد، تهران: سبحان نور یزد.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، به کوشش محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق). اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد، (۱۴۲۷ ق). سیر اعلام النبلاء، قاهره: دار الحدیث.
- رشید الدین فضل‌الله همدانی (۱۳۵۶). وقف‌نامه ربیع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰). البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- سنایی، ابوالمجدود بن آدم (بی تا). دیوان، به کوشش: علی محمد صابری و همکاران، بی‌جا: بی‌نا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ ق). الدر المشور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (بی تا). منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح، تهران: حکمت.
- صادقی توران‌پشتی، میثم (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل آیات قرآنی به کار رفته در سنگ‌نوشته‌های توران‌پشت، بلاغ مبین، شماره ۵۰ و ۵۱.
- صحیفه سجادیه امام علی بن‌الحسین (ع) (۱۳۷۶). قم: دفتر نشر الهادی.

۸۴ تحلیلی بر مقوله انتخاب آیات در مزارنوشته‌های توران‌پشت؛ یادمانی با داده‌های ...

- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). الامالی، قم: دارالثقافه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق). مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۹۰۵ م). تذکره الاولیاء، به تصحیح رینولد نیکلسون، لیدن: مطبعه لیدن.
- علمی، قربان و تسلیمی پاک، یونس (۱۳۸۹). زمینه‌های شکل‌گیری دو اصطلاح در ادبیات عرفانی «عهد امانت» و «بار امانت»، مجله مطالعات عرفانی، شماره ۱۴۲.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۳). کیمیای سعادت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۲۰۰۰ م). لطائف الاشارات، به کوشش ابراهیم بسیونی، قاهره: هیئته المصریه.
- قاضی نعمان مغربی (۱۳۸۵ ق) دعائم الاسلام، قم: مؤسسه ال بیت علیهم السلام.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷ ق). الدعوات، قم: انتشارات مؤسسه امام مهدی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر، به کوشش طیب موسوی، قم: دار الکتاب.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۸۳). بررسی کتیبه‌های بناهای یزد، تهران: پژوهشکده زبان و گویش.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۵۷). تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). کافی، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳). شرح التعرف لمذهب التصوف، به کوشش محمد روشن، تهران: اساطیر.
- مستوفی باققی، محمد مفید بن محمود (۱۳۴۲). جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- مسرت، حسین (۱۳۸۹). پرده گشا راز نما، تهران: همشهری.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق الف). الامالی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق ب). کتاب المزار، قم: کنگره شیخ مفید.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). تفسیر، به کوشش عبدالله شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- مهروش، فرهنگ (۱۳۹۲). «آیین‌های ذکر در روایات اسلامی و جایگاه و کارکرد اجتماعی آن‌ها»، صحیفه مبین، شماره ۵۳.

مبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الابرار، به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

میر احمدی، مریم (۱۳۹۵). تاریخ تحولات ایران‌شناسی در دوران اسلامی، تهران: انتشارات طهوری.  
میرحسینی، یحیی (۱۳۹۴). «ثواب و گناه»، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

نصر، سید حسین (۱۳۸۵). «تصوف»، تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.  
نصرالله‌زاده، سیروس و عمادالدین شیخ‌الحکمایی (۱۳۹۱). گورنوشته پهلوی سنگ زین، مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، شماره ۱.

همایونی، صادق (۱۳۷۱). فرهنگ مردم سروستان، به کوشش انجوی، مشهد: به‌نشر.  
همایونی، صادق (۱۳۵۳). گوشه‌هایی از آداب و رسوم مردم شیراز، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.

Howel, Martha C. and Prevenier, Walter, *From Reliable Sources: An Introduction to Historical Method*, Cornell University Press, 2001.

Tafazzoli, Ahmad, "Two Funerary Inscriptions in Cursive Pahlavi from Fars", *Orientalia Suecana*, XLIII-XLIV, 1994-5.